
منزلگاه‌های اشکانی

ایسیدور خاراکیسی

مترجم و محقق

علی‌اصغر میرزایی



نقشه‌های

تهران

۱۳۹۲

Isidore of Charax
Parthian Stations
Ares Publishers Inc., London, 1914

Isidore of Charax	ایسیدور خارا کسی، قرن ۱ ق.م.	سرشناسه:
	ایستگاه‌های پارتی؛ نوشته‌ی ایسیدور خارا کسی؛ ترجمه‌ی علی‌اصغر میرزایی.	عنوان و پدیدآور:
	تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۷.	مشخصات نشر:
	۱۶۰ ص.	مشخصات ظاهری:
	ISBN 978-964-9971-96-4	شابک:
	فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.	یادداشت:
Parthian Stations	عنوان اصلی:	یادداشت:
	نمایه.	یادداشت:
	راه‌های تجاری - ایران - تاریخ.	موضوع:
	ایران - تاریخ - اشکانیان، ۲۴۹ ق.م. - ۲۲۶ م.	موضوع:
	ایران - جغرافیای تاریخی - متون قدیمی تا قرن ۱۴.	موضوع:
	میرزایی، علی‌اصغر، ۱۳۵۸ - مترجم.	شناسه‌ی افزوده:
	DS ۳۳۲ / الف ۹ الف ۹ ۱۳۸۷	رده‌بندی کنگره:
	۹۵۵ / ۵۲۰۷۲۷	رده‌بندی دیویی:
	۱۲۲۱۶۲۵	شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:

منزلگاه‌های اشکانی

نویسنده	ایسیدور خاراکیس
مترجم و محقق	علی اصغر میرزایی
ویراستار	احمدرضا قائم‌مقامی
چاپ اول	پاییز ۱۳۹۱
تیراژ	۷۰۰ نسخه
مدیر هنری	حسین سجادی
نمونه خوان	زینب مرعش‌پور
حروف‌نگار	ترکس صلواتی
لینوگرافی	گرافیک‌گستر
چاپ متن و جلد	صنوبر
صفحات	سپیدار

شابک ۹۷۸-۹۶۲-۹۹۷۱-۹۶-۴

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



ناشرماهی

تهران، خیابان انقلاب، رونه‌روی سینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۲، واحد ۴

تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵ ۱۸۸۰

www.nashremahi.com

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار مترجم
۲۳	منزلگاه‌های اشکانی
۲۸	سفر به دور سرزمین اشکانیان
۳۱	توصیف ايسيدور از جهان
۳۳	از یک اثر نامعلوم ايسيدور خاراکسی
۳۵	توضیحات
۴۳	یادداشت‌ها
۶۹	گزارش‌های همسو از سائنامه‌های چینی
۷۷	یک گزارش معاصر
۸۰	مسیرهای تجاری ایران امروزی
۸۱	سکه‌های اشکانی
۹۱	اعلام تاریخی
۱۱۳	اعلام جغرافیایی
۱۴۷	فهرست شاهان
۱۵۱	نمایه

پیش‌گفتار مترجم

نقشه‌برداری تاریخی ایالت‌ها و سرزمین‌های عهد باستان در قلمرو پادشاهی‌ها و امپراتوری‌های گسترده و پهناور سابقه‌ای قدیم دارد، به‌طوری‌که با کمی تسامح حتی می‌توان آثار آن را در اسطوره‌ها و باورهای جوامع گوناگون به صورت تصورات ذهنی در خصوص شکل‌گیری کره‌ی زمین، نحوه‌ی قرار گرفتن رودها، دریاها، کوه‌ها، مردمان و جز آن‌ها مشاهده کرد. از این‌رو، چنین تصویری را شاید بتوان نخستین جرقه‌های ذهن بشر درباره‌ی جغرافیای زمینی که در آن زندگی می‌کند تلقی کرد. نقشه‌برداری تاریخی در روزگار باستان، تا آن‌جا که از منابع برمی‌آید، پیش از هر چیز به مسأحه‌ی کره‌ی زمین، تعیین مسافت‌های میان شهرها و فاصله‌ی آن‌ها از یک مبدأ مشخص، مثل رودخانه‌ها یا دریاها و کوه‌ها، خلاصه می‌شد. اقداماتی از این دست متضمن خصوصیات چند است: نخست این‌که یک چنین مسأحه‌ی‌ها و نقشه‌برداری‌هایی بسیار کلی و گسترده بودند، به‌طوری‌که فقط شامل اقلیم‌ها و ایالت‌ها و شهرهای بزرگ و توصیف آن‌ها می‌شد. دوم این‌که مسیرهای تجاری، نظامی، رودها، دریاها و کوه‌ها نقش مؤثری در این امر داشتند. سوم این‌که مراکز سوق‌الجیشی، که معمولاً در مسیرهای تجاری، نظامی، رودها و دریاها واقع شده بودند، بیش از جاهای دیگر، مردمان و جغرافیدانان و جهانگردان را به سمت خود جلب می‌کردند و همین امر باعث می‌شد تا دیگر مراکز و ایالت‌های نه‌چندان مهم از این چشم‌انداز برکنار بمانند، مگر این‌که

در مسیر لشکرکشی پادشاه یا سرداری قرار می‌گرفتند و بدین وسیله در سایه روشن تاریخ وارد می‌شدند و این نیز مشروط به این مسئله بود که وقایع‌نویسان و جغرافیدانانی در این لشکرکشی‌ها شرکت می‌کردند و رخدادها و حوادث را تشریح، و توصیفات مربوط به شهرها و ایالت‌ها را یادداشت می‌کردند.

شناسایی و جایابی محل‌های جغرافیایی تا حدودی به کمک منابع گوناگون امکان‌پذیر است، به‌ویژه زمانی که منابع فراوان و متنوعی در این خصوص در دسترس قرار داشته باشد. یکی از این منابع سنگ‌نوشته‌های شاهان و الواحی است که معمولاً حاوی فهرست ایالت‌ها و شهرهایی می‌شوند که شاهان به تصرف خود درمی‌آوردند یا از آن‌ها باج می‌گرفتند. سنگ‌نوشته‌های شاهان آشوری و بابلی، الواح بابلی و سنگ‌نوشته‌ها و الواح شاهان هخامنشی از این دست منابعند. آنچه درباره‌ی این منابع رسمی باید گفت این است که در نگاه اول ظاهر آن می‌توان با اطمینان از وجود یک نقشه‌برداری جغرافیایی رسمی در طول حیات این حکومت‌ها صحبت به میان آورد. اما با این همه از آثار و منابع غیررسمی، مانند منابع یونانی و رومی، چنین برمی‌آید که نظام شناسایی و تحقیقات جغرافیایی، حداقل در دوران حکومت هخامنشیان، جایگاهی درخور داشته است و شاهان هخامنشی نسبت به موقعیت و اوضاع و احوال سرزمین‌های تحت سلطه‌شان بی‌اعتنا نبوده‌اند. سنگ‌نوشته‌ها نیز، هر چند با دیدی نسبتاً سیاسی، به دلیل گستره‌ی جغرافیایی‌ای که به دست می‌دهند، بر این امر صحنه می‌گذارند.

از دیگر منابع باید به آثار مورخان و جغرافیدانان یونانی و رومی و اسلامی اشاره کرد که با اطلاعات گسترده‌ی خود می‌توانند نقصان اطلاعات سنگ‌نوشته‌ها و الواح را جبران کنند. در این خصوص گزارش‌های مورخانی چون هرودوت، کسنوفون، کتسیاس، دیودوروس سیسیلی، آریان، آتانیوس، آپولودوروس آرتمیتایی، پلینی، آمیانوس مارکلینوس، پروکوپئوس، و

جغرافیدانانی چون بطلمیوس، استرابون، ایسیدور (ایسیدوروس) خاراکی، ابن حوقل، اصطخری، ابوالفداء و جز ایشان از اهمیت قابل توجهی برخوردارند. بر همین اساس، باید سنگ‌نوشته‌ها، الواح و نوشته‌های مورخان و جغرافیدانان را مکمل یکدیگر دانست.

با وجود گستردگی و تنوع جغرافیایی شاهنشاهی هخامنشیان و اشکانیان، منابع به‌خوبی نشان می‌دهند که مرکز ثقل این حکومت‌ها در غرب ایران و بین‌النهرین بوده است. از این‌رو، هم در سنگ‌نوشته‌ها و الواح و هم در گزارش‌های مورخان و جغرافیدانان، بیش‌ترین اطلاعات درباره‌ی این مناطق است. منطقه‌ی بین‌النهرین و سرزمین‌های شرق مدیترانه همیشه در تاریخ عهد باستان از جایگاه خاصی برخوردار بوده‌اند. قدمت شهرنشینی و تشکیل حکومت‌های نسبتاً متمرکز در این مناطق شناسایی بخش‌های خرد و کلان آن‌ها را بیش از هر منطقه‌ی دیگری ممکن ساخته است. در گزارش‌های تاریخی و جغرافیایی نیز مشهود است که شهرهای کوچک و بزرگ بین‌النهرین بهتر از هر منطقه‌ی دیگری به ثبت رسیده‌اند، به این دلیل که بیش‌تر در تیررس شاهان و پس از آن‌ها در دسترس مورخان و جغرافیدانان بوده‌اند. اگر از بحث حکومت‌های پیش از شاهنشاهی هخامنشی بگذریم، باید بگوییم که در این دوران نیز بین‌النهرین و سرزمین‌های شرقی دریای مدیترانه مراکز مهمی به لحاظ اقتصادی، تجاری و استراتژیکی به شمار می‌آمده‌اند. در دوران حکومت هخامنشیان، که جاده‌ی شاهی از شوش به سارد می‌رفت، بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگی که در این مسیر قرار داشتند نسبتاً پررونق بودند. از بعضی گزارش‌ها چنین برمی‌آید که این مسیر را پارسیان علامت‌گذاری کرده بودند. هرودوت، که ظاهراً اطلاعاتی در این باره داشته، اشاره می‌کند که این منزلگاه‌های شاهی بسیار بهتر از منزلگاه‌های معمولی اداره می‌شدند. همین نویسنده اظهار می‌دارد که داریوش اریتره‌ای‌های تبعیدی را در منزلگاه معروف به «اردیکا» در سرزمین کیسیان، در ۱۲۰

کیلومتری شوش، مستقر ساخت. اردریکا تنها منزلگاه شاهی است که به جز شوش و سارد نامش به دست ما رسیده است. گذشته از این، به لطف خلاصه‌ی فوتیوس^۱ نیز می‌دانیم که کتسیاس در پرسیکا فهرستی از منزلگاه‌های جاده‌ی شاهی پارسیان از افسوس تا بلخ تهیه کرده بوده است. از گزارش هرودوت و کتسیاس می‌توان چنین استنباط کرد که دو مسیر اصلی در دوران هخامنشی وجود داشته، یکی که هرودوت از آن به نام جاده‌ی شاهی شوش به سارد یاد می‌کند و دیگری که کتسیاس از آن به عنوان جاده‌ی شاهی افسوس به بلخ نام می‌برد. گزارش‌های گوناگون نشان می‌دهند که جاده‌ی شاهی شوش به سارد اهمیت به مراتب بیش‌تری نسبت به جاده‌ی شاهی افسوس به بلخ داشته است و با این‌که این جاده بیش‌تر برای اهداف نظامی به کار گرفته می‌شده، این احتمال نیز وجود دارد که بیش‌تر مسیرهای تجاری و بازرگانی غرب شاهنشاهی به نحوی به این جاده وابسته بوده‌اند؛ مثلاً گردش شاهان در ماه‌های گوناگون سال در پایتخت‌هایشان، همدان و بابل و شوش و سارد و تخت‌جمشید، به نوعی منجر به برقراری ارتباط میان آن‌ها می‌شد.

گزارش‌ها حکایت از این دارند که در همین منطقه نیز منزلگاه‌های شاهی بسیاری وجود داشته است؛ درست به همان ترتیبی که در پارس، در نزدیکی رودخانه‌ی کورش، در یهودیه و در مسیر دجله وجود داشته. پلوتارخ در شرح سرگذشت اردشیر دوم از چند منزل یاد می‌کند که دارای سردیس‌های باشکوهی بوده‌اند. از این سکونتگاه‌های باشکوه و بزرگ، که محل استقرار پارسیان و نمایندگان و ساتراپ‌ها بودند، به‌خوبی نگهبانی می‌کردند. این منازل را که در زبان محلی آپادانا می‌نامیدند، در جاهایی مناسب در طول جاده‌های مهم امپراتوری گسترده‌ی هخامنشی برپا می‌کردند.

ریشه‌یابی‌هایی که شومون^۲ در مورد نام چندین منزلگاه کرده بیانگر این نکته است که برخی از این نام‌ها به واژه‌های پارسی باستان برمی‌گردند.

همچون آسیخ یا آسیخا در سوریه که گویا صورت پارسی باستان آن «گزیکا» بوده، یا «آبادانا» که صورت یونانی آن «باسیلیا» است. ریشه یابی برخی از اسامی، که ایسیدور خاراکیسی و دیگر مورخان و جغرافیدانان یونانی و رومی به دست می دهند، نشان می دهد که در زمان هخامنشیان منزلگاه های مربوط را یا بر اساس کاربردی که داشتند نامگذاری می کردند (مثلاً در جایی منزلگاه برپا می کردند که آبادانا یا کاخ مسکونی شاه یا ساتراپی قرار داشته و به همین جهت آن منزلگاه را آبادانا (باسیلیا) می نامیدند) یا گنجینه ی شاه یا ساتراپی در آن جا قرار داشته و بنابراین آن را «گزیکا» می نامیدند، یا این که شاهان و ساتراپ های پارسی خود نام منزلگاه را به پارسی تعیین می کردند. از طرف دیگر، برخی از این اسامی نیز به صورت های کهن آن ها به زبان های سامی برمی گردد و این نشان می دهد که این منزلگاه ها به نام همان محل نامیده می شده اند. علاوه بر این، ریشه یابی پارسی باستان و آرامی نام منزلگاه ها دال بر این است که اشکانیان، برخلاف سلوکیان، کم تر در پی تغییر نام منزلگاه ها یا بازسازی آن ها به نام جدید بوده اند. نتیجه این که بعدها در زمان سلوکیان و اشکانیان، بیش ترین این منزلگاه ها یا شهرهای تازه تأسیس در محلی ساخته می شدند که پیش از این یک محل هخامنشی بوده است.

به هر حال با فروپاشی شاهنشاهی هخامنشیان و روی کار آمدن سلوکیان و به دنبال آن تأسیس دو شهر جدید سلوکیه در غرب ساتراپ نشین های ایران (علیا) و انطاکیه در شرق دریای مدیترانه و برکنار رود نهر العاصی (اورونتس)، این منطقه بیش از پیش در مسیرهای بازرگانی قرار گرفت؛ به ویژه این که از زمان اشکانیان مسیر تجاری جاده ی ابریشم، که از چین شروع و پس از گذشتن از ایالت های ایران مستقیم وارد سلوکیه و بین النهرین می شد و با عبور از فرات به دریای مدیترانه و از آن جا به روم منتهی می شد، باعث شد تا تمام راه های تجاری و بازرگانی که از شرق و غرب می آمد در این منطقه به هم وصل شوند. از این رو، کاملاً طبیعی بود که کسی همچون ایسیدور

خارکسی در صدد برآید نقطه‌ی شروع منزلگاه‌های اشکانی را در ناحیه‌ای در بین‌النهرین و در نزدیک فرات (مرز غربی اشکانیان) گزارش کند، و این مسیر آنچنان اهمیت داشته باشد که حتی فاصله‌ی منزلگاه‌ها را از یکدیگر مشخص کند.

فهرست ایسیدور از منزلگاه‌های اشکانی را می‌توان همانند فهرست منزلگاه‌های جاده‌ی شاهی کتسیاس پنداشت، با این تفاوت که فهرست کتسیاس از آسیای صغیر، یعنی از محلی شروع می‌شد که در قلمرو حکومت هخامنشی و مرکز ثقل سیاست‌های مرزی این شاهنشاهی بود، درحالی‌که فهرست ایسیدور از جایی شروع می‌شود که در آن‌جا مهم‌ترین رویدادهای تاریخی عهد اشکانی به وقوع پیوسته است، یعنی از فرات. اما سرزمین‌ها و ایالات ایران که در نزد نویسندگان باستان به ساتراپ‌نشین‌های علیا معروف هستند، در خط سیر ایسیدور در همان مسیری قرار می‌گیرند که تا مدت‌های مدیدی بعد از آن جاده‌ی ابریسم از آن‌ها عبور می‌کرد. بنابراین، بخشی از خط سیر ایسیدور مسیری بازرگانی را به تصویر می‌کشد که از طریق ساتراپ‌های علیا به منزلگاه‌های غربی شاهنشاهی متصل می‌شد. به این ترتیب، منزلگاه‌های اشکانی ایسیدور سندی منحصر به فرد است که با کمک آن می‌توان اطلاعات مندرج در دیگر منابع را تکمیل و به ترسیم موقعیت جغرافیایی ایالات شرق و غرب ایران کمک نمود. تشریح ساتراپ‌نشین‌های علیا از این جهت اهمیت دارد که به گزارش پلینی از ۱۸ پادشاهی و ایالات اشکانی، ۱۱ ایالت پادشاهی‌های علیا را تشکیل می‌دادند که از مرزهای ارمنستان و سواحل دریای خزر شروع می‌شد و تا سرزمین سکاییان ادامه پیدا می‌کرد، و ۷ ایالت باقی‌مانده پادشاهی‌های سفلی را تشکیل می‌دادند.

از زندگی و سرگذشت ایسیدور اطلاع کافی در دسترس نیست؛ تنها همین قدر پیداست که اهل خاراکس^۱، منطقه‌ای در مصب دجله و فرات، بوده

و بنابراین در زمان حیاتش در قلمرو شاهنشاهی اشکانی می‌زیسته است. خاراکس، که به خاراکس اسپاسینی (منسوب به اسپاسینس^۱ نامی که در دوره‌ای فرمانروای آن‌جا بوده) نیز شهرت دارد، از نظر لغوی به معنای حصار و بارو یا شهر حصاردار است. از گزارش‌هایش چنین برمی‌آید که در سده‌ی اول میلادی می‌زیسته و به احتمال فراوان معاصر امپراتوران روم، اوکتاویوس آوگوستوس و تیبیریوس، و شاهان اشکانی، فرهاد چهارم و فرهادک و اردوان دوم، بوده است. حدس مولر^۲ این است که نویسنده‌ی منزلگاه‌های اشکانی را آوگوستوس برای تهیه‌ی گزارش درباره‌ی مناطق شرق به همراه نوه‌اش، گایوس سزار، در هنگام لشکرکشی به شرق (سوریه و ارمنستان) رهسپار این سرزمین‌ها کرده است. اشاره‌ی وی به لشکرکشی تیرداد، مدعی اشکانی تاج و تخت، به سلوکیه در زمان فرهاد چهارم نشان می‌دهد که دوران فعالیت او نمی‌توانسته پس از چند دهه‌ی نخستین بعد از میلاد بوده باشد و بنابراین در زمان حکومت آوگوستوس و تیبیریوس بوده که از او به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی راه‌های اشکانیان استفاده شده است.

ایسیدور فرهنگ و زبان یونانی داشت، اما به نظر می‌رسد از زبان آرامی نیز غافل نبوده است. پلینی بارها به اعتبار و صلاحیت ایسیدور اشاره کرده است. با دآوری از روی نقل قول‌ها می‌توان گفت که ایسیدور از دانش و تجربه‌ی خوبی در زمینه‌ی جغرافیا و نقشه‌نگاری برخوردار بوده است. اهمیت ایسیدور را در وهله‌ی نخست باید در این دانست که او نیز هم‌پهن آپلودوروس آرتمیثایی، که اهل آرتمیثا در شرق دجله بوده، جزو ساکنان قلمرو اشکانیان به شمار می‌رفته و در نتیجه احتمالاً اطلاعات فراوانی درباره‌ی قلمرو آنان داشته و این مسئله را می‌توان از گزارش وی در منزلگاه‌های اشکانی و همچنین از اشاره‌های دیگر مورخان و جغرافیدانان دریافت که در

آثارشان از اثر ایسیدور، حتی اثر مفصل‌تری به نام سفر به دور سرزمین اشکانیان، یاد و استفاده کرده‌اند. نوشته‌ی کوتاه و مختصر منزلگاه‌های اشکانی، که احتمالاً بخشی یا خلاصه‌ای از اثر مفصل‌تر فوق است، عبارت از فهرست ایستگاه‌ها یا منزلگاه‌های نوزده گانه‌ای است که در دوران حکومت سلوکیان و اشکانیان در مسیر جاده‌ی ابریشم از شرق به غرب و بالعکس واقع شده بوده‌اند و از نظر جایگاه‌های ارتباطی، تجاری، نظامی و اقتصادی اهمیت فراوان داشته‌اند. این منزلگاه‌ها بیش‌تر بر اساس ترتیب و نظم ایالات و ساتراپی‌ها فهرست شده‌اند. اطلاعات موجود در این اثر مختصر و کوتاه تأثیر بسزایی در روشن کردن سیاست‌های حکومت سلوکی و اشکانی و همچنین جایگاه شهرهای سلوکی و اشکانی دارد، و چنانچه اقدام ایسیدور به نوشتن چنین گزارشی به قصد آگاهی‌گاہوس صحت داشته باشد، چه‌بسا این امر به این معنی باشد که در دربار روم یا حتی دربار اشکانیان، سودمندی چنین گزارشی احساس می‌شده است، به‌ویژه این‌که بسیاری از محققان بر این باورند که ایسیدور در تهیه‌ی فهرست شهرها و آبادی‌های ساتراپ‌نشین‌های علیا، از اسنادی استفاده کرده که متعلق به نقشه‌برداری جغرافیای عهد مهرداد دوم در حدود سال‌های ۱۰۰ ق.م. بوده‌اند درست همان‌گونه که در مورد نقشه‌برداری و تحقیقات جغرافیایی عهد هخامنشیان به این مطلب اشاره شد.

شواهد به‌دست‌آمده از شهرهای نهاوند، همدان، بیستون و دیگر شهرها که بر سر راه سلوکیه به بلخ (باکتریا) واقع شده بودند، گزارش‌های ایسیدور مبنی بر وجود آبادی‌ها و شهرهای سلوکی در این مسیر را تأیید می‌کنند. همچنین شرح ایسیدور از منزلگاه‌ها در این مسیر نشان می‌دهد که اشکانیان به موازات این‌که از شرق برخاسته، به سمت غرب پیشروی نمودند و سرانجام خود را به نزدیک فرات رسانیدند. در واقع حرکتشان تداوم‌بخش حرکتی بود که گرچه پیشینه‌ی آن به زمان هخامنشیان می‌رسید، پس از

لشکرکشی اسکندر باعث ارتباط هرچه بیش‌تر شرق و غرب شد. در این زمینه اشکانیان حتی فراتر رفته، ارتباط با چین را در برنامه‌ی تجاری خود وارد نمودند. به عبارت دیگر، اشکانیان ادامه‌دهندگان راه اسکندر در برقراری تجارت میان شرق و غرب شدند و مسیرهای بازرگانی را که تا حدودی منحصر به غرب شاهنشاهی هخامنشی بود، به گونه‌ای تغییر دادند که نه تنها یک شاهراه تجاری در مسیر شهرهای مهم پدید آمد، بلکه متعاقب آن، راه‌های ارتباطی میان ایالت‌های مهم دوران هخامنشی و اسکندر نیز گسترده‌تر شد. بنابراین، گزارش اسیدور علاوه بر این‌که راه‌های پیکرو اشکانیان به سمت شرق و غرب و رشته‌ای از آبادی‌های عهد سلوکی و اشکانی را شرح می‌دهد، سیاست‌های اقتصادی، نظامی و بازرگانی آن‌ها را نیز به تصویر می‌کشد. از جمله می‌توان به این نکته اشاره کرد که اشکانیان با افزودن شهرهای مهم دیگری چون هرات، مرو، پارت، هکاتوم پولوس و سلوکیه به این مسیر تجاری، ارتباط میان پایتخت‌ها و شهرهای عهد هخامنشی (بلخ، همدان، بابل) را از جنبه‌های گوناگون بیش‌تر کردند.

این نکته نیز روشن است که گزارش اسیدور، از نقطه‌ی شروع تا پایان منزلگاه‌های اشکانی، بیانگر حد و حدود شاهنشاهی اشکانیان در زمانی است که این شاهنشاهی در اوج قدرت بود. گزارش نشان می‌دهد که نقطه‌ی شرقی منزلگاه‌های اشکانی، یعنی قندهار، حد شرقی اشکانیان در زمان مهرداد دوم بوده است؛ به این معنی که در زمان مهرداد دوم، این منطقه بعد از شکست و عقب‌راندن سکاها، مهاجم، به تصرف شاه اشکانی درآمده است.

دور از ذهن نیست که اساس و پایه‌ی اسناد منزلگاه‌های اشکانی بر فهرست ساده‌ی منزلگاه‌هایی باشد که به دست بازرگانان طراحی شده و در اختیار دربار مرکزی قرار گرفته است. بخش دیگری از این اسناد که اصل آرامی دارد (و این از نام‌های آرامی منزلگاه‌ها معلوم می‌شود) ممکن است سبب این تصور شود که شاید اسیدور اسنادش را به آرامی نوشته که زبان بومی منطقه

از زوگما تا سلوکیه دجله بوده است. با توجه به سکونت وی در این قسمت از قلمرو اشکانی، بعید نیست که از زوگما تا سلوکیه دجله را شخصاً پیموده باشد، اما نیم دیگر خط سیر، یعنی خط سیری که ساتراپ‌های علیا را به هم وصل می‌کرد و از ماد شروع و به آراخوسیا (رخج) منتهی می‌شد، برآمده از سیر و سفر شخص وی نبوده است.

در خط سیر ایسیدور، شهرها به دو سبک شمارش شده‌اند؛ در مورد نخست، او معمولاً پیش از نام شهر، واژه‌ی «پس از آن، آن سوتر» آورده که معرف شهرهای مهم، سوق الجیشی و بیش تر مرکز ایالت بوده‌اند؛ در مورد دوم، او واژه‌ی «آن جا» را آورده که نشان‌دهنده‌ی شهرها و روستاهایی است که در درون ایالت یا در اطراف شهر اصلی بودند. این شهرها و روستاها که معمولاً با واژه‌ی «آن جا» توصیف شده‌اند، بیش تر در مسافتی دور از مسیر اصلی قرار داشتند.

همه‌ی فاصله‌ها در خط سیر به فرسنگ (شوئنی) ارائه شده‌اند. اندازه‌ی شوئنی برای تمام خط سیر یکسان است. هر شوئنی برابر ۵/۶ کیلومتر (۵/۵۸، ۵/۵۶ کیلومتر) یا ۳/۵ مایل است که هر مایل تقریباً برابر با ۸ استادی (۱۹۶ متر) است.

نخستین بار کارل مولر در کتاب کتب جغرافیایی کدچک یونانی^۱ در سال ۱۸۵۳ خط سیر ایسیدور را منتشر کرد و چهارچوبی جغرافیایی برای آن تهیه نمود. بعدها در سال ۱۹۱۴ ویفلرد شوف^۲ با بررسی‌های جدید و با تکیه بر کشفیات باستان‌شناسی و همچنین افزودن خط سیر کرزن و دیگر انگلیسی‌هایی که در ایران به تحقیقات تاریخی و جغرافیایی مشغول بودند، توضیحاتی به آن افزود.

بر این اساس، ترجمه‌ی حاضر از چند بخش تشکیل می‌شود. بخش اول شامل متن کوتاه و مختصر خط سیر ایسیدور می‌شود و شوف با تکیه بر اثر

مولر آن را با متن یونانی اش آورده و به انگلیسی ترجمه کرده است. بخش دوم شامل توضیحات و یادداشت‌هایی می‌شود که شوف به آن افزوده، اما بسیار مختصر است. و بخش سوم عبارت از توضیحاتی است که در آن سعی شده با تکیه بر منابع عهد باستان، چون منابع یونانی، رومی، و گزارش‌های مورخان و جغرافیدانان اسلامی و همچنین تحقیقات جدید، شرحی کوتاه و مستند در خصوص نام منزلگاه‌ها، محل آن‌ها، تغییر و تحولات آن‌ها در طی دوران‌های مختلف و محدوده‌ی جغرافیایی آن‌ها در گذشته و حال، تا آن‌جا که امکان‌پذیر است، ارائه شود. بی‌شک بسیاری از محل‌های مذکور در خط سیر ایسیدور ناشناخته‌اند، به این دلیل که تنها در گزارش وی آمده‌اند و در گزارش‌های دیگر نویسندگان عهد باستان اثری از آن‌ها نیست. از طرف دیگر، باید خاطر نشان شود که پیگیری خط سیر ایسیدور و حرکت گام به گام در مسیری که وی آن را توصیف کرده در این نوشتار قابل گنجاندن نبود، چون هدف تشریح جایگاه منزلگاه‌هایی بود که ایسیدور از آن نام برده؛ در نتیجه از بسیاری از توضیحات در خصوص مسایل دیگر صرف‌نظر شده است. در این رابطه تحقیقات جدید و گسترده‌ای صورت گرفته که به آن‌ها اشاره خواهد شد.

بخش دیگر این توضیحات درباره‌ی شخصیت‌های مهمی است که در رویدادهای تاریخی نقش داشته‌اند و همچنین درباره‌ی نیمی چند از مورخان و جغرافیدانان، که ذکر آن‌ها و گزارش‌شان در توضیحات شوف آمده و شوف تنها به آن‌ها ارجاع داده و از آوردن گزارش آن‌ها درباره‌ی رویداد، محل یا فلان شخصیت خودداری کرده است. به همین دلیل، توضیحات وی بدون گزارش‌ها برای خوانندگان ناقص و بسیار مختصر است. همین ما را واداشت تا در توضیحات پایانی استنادات را با گزارش کامل آن‌ها به دست دهیم و خواننده را از رجوع به اصل منبع بی‌نیاز کنیم. در ارائه‌ی توضیحات، همچنان که اشاره شد، از دو دسته منابع استفاده شده است: منابع عهد باستان و

گزارش‌های مورخان اسلامی، و تحقیقات جدید. از این میان، این آثار یادکردنی است:

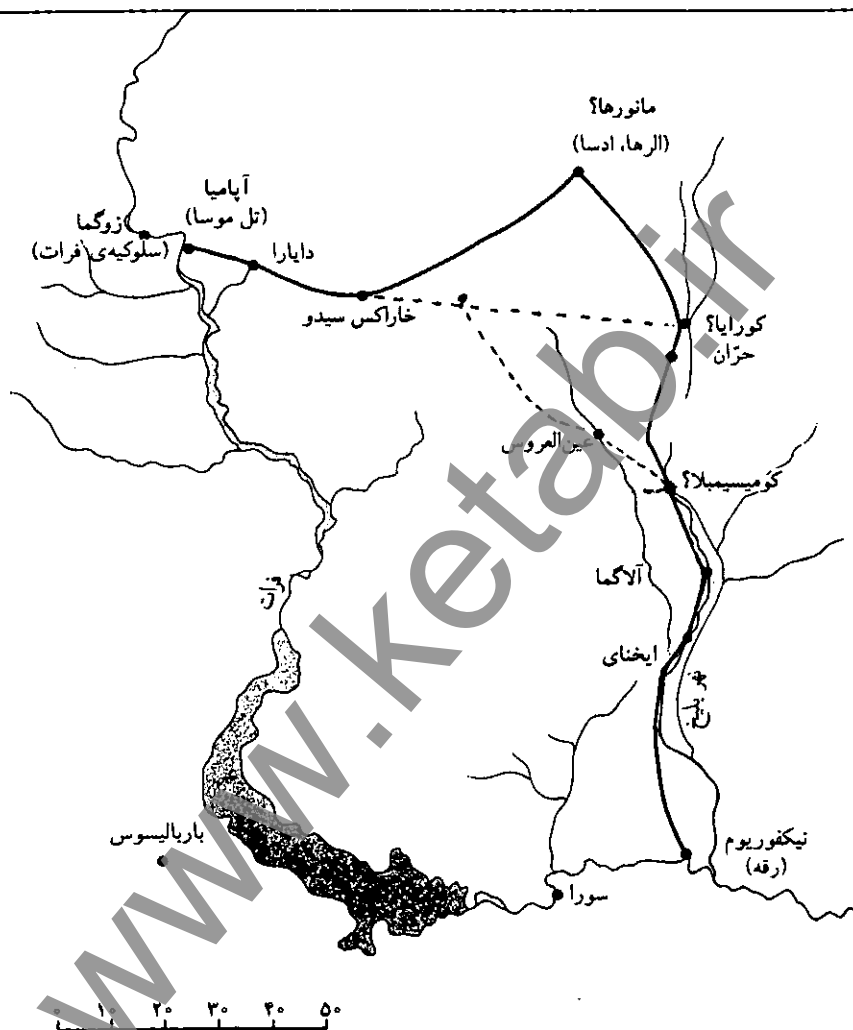
آثار هرودوت، کسنوفون، استرابون، آریان، پلوتارخ، پلینی، تاکیتوس، پولوبیوس، آپیانوس، آمیانوس مارکلینوس، دیودوروس سیسیلی، یوسفوس فلاویوس، دیو کاسیوس، لوکیانوس، ابوالفداء، مقدسی، ابن حوقل. در میان آثار محققان جدید، که به فارسی ترجمه شده‌اند، این آثار شایان ذکرند:

— میراث باستانی ایران از ریچارد فرای، پارتیان از مالکوم کالج، شاهنشاهی اشکانی از یوزف ولسکی و ایران در زمان نخستین شاهان هخامنشی از محمد داندامایف. در میان آثاری که به فارسی درنیامده‌اند، علاوه بر دائرةالمعارف‌ها می‌توان از این نوشته‌ها یاد کرد:

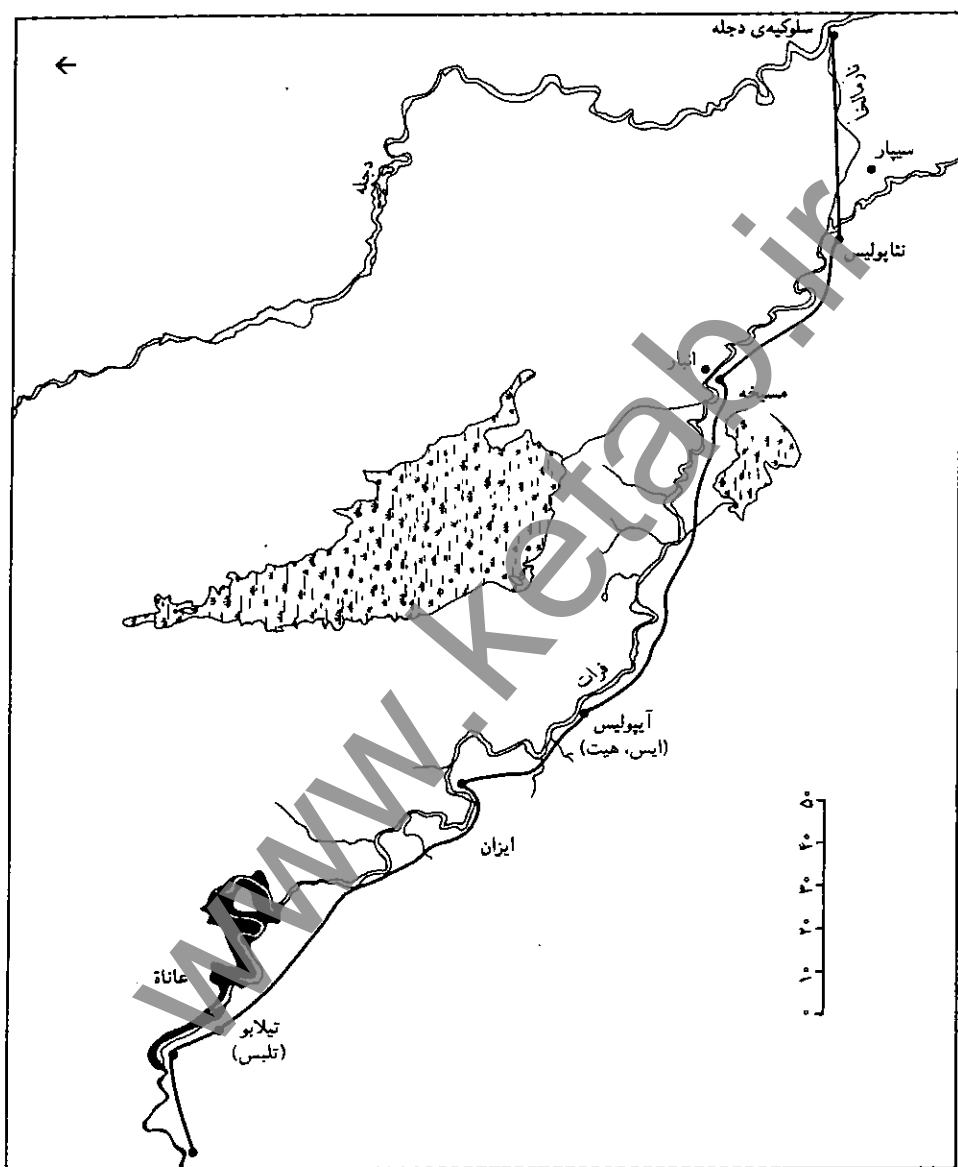
— M. L. Chaumont, "Études d'histoire Parthe V. La route royale des Parthes de Zeugma à Séleucie du Tigre d'après L'itinéraire d'Isidore de Charax", in *Syria* 61 (1984) pp. 63-107.

— Igor Khlopin, "Die Reiseroute Isidors von Charax und die Oberen Satrapien Parthiens", *Iranica Antiqua* 12 (1977), pp. 117-165.

— Andreas Luther, "Zwei Bemerkungen zu Isidor von Charax" in *Zeitschrift für Papyrologie und Epigraphik* 119 (1997), pp. 237-242.



جاده ی شاه ی سرزمین اشکانیان
(از زوگما/سلوکیه ی فرات تا نیکفور یوم)



جاده‌ی شاهی سرزمین اشکانیان
(از جزیره‌های فرات تا سلوکیه‌ی دجله)